

معرفی بدعتها

درس چهارم

مشکل واژه‌های یکسان

رئوس مطالب

- ۱) مکاشفه الهی / مسیح تنها راه / اصول مسیحیت
- ۲) مشکل واژه های یکسان و راه حل آن
- ۳) ساختار روانی / رفتاری فرقه های کاذب
- ۴) تحلیل سیستم اعتقادی بدعتها و روند آماده سازی آنها
- ۵) تغییر ناپذیری خدا و کلامش / کلام خدا حقیقت محض و مطلق است

مکاشفه الهی / مسیح تنها راه / اصول مسیحیت

حقیقت یکیست / حقیقت مطلق است

بدعتها، مذاهب یا فرقه های کاذب را باید در نور مکاشفه الهی (یوحنا ۸:۲۴) ارزیابی کرد.

مکاشفه الهی عیسی مسیح است که فرمود:

یوحنا ۶:۱۴ من راه و راستی و حیات هستم. هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمیآید.

او در یوحنا ۸:۲۴ نیز میفرماید.

یوحنا ۸:۲۴ از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد، زیرا اگر باور نکنید که **من هستم**، در گناهان خود خواهید مرد.

همانطور که در درس گذشته نیز اشاره کردم یکی از دروغهای شیطان اینست که میگوید "راههای رسیدن به خدا فراوان است."

عیسی هیچگاه ادعا نکرد که:

من یکی از راههای خوب برای رسیدن به خدا هستم

من بهترین راه رسیدن به خدا هستم.

من یکی از مفاهیم حقیقت هستم.

من شعبه ای از حیات هستم.

او در یوحنا ۶:۱۴ نه تنها ادعا کرد که "من راه و راستی و حیات هستم" بلکه در ادامه آیه اضافه نمود که "هیچ کس جز بوسیله من نزد پدر نمیآید".

او خود را بعنوان حقیقت مطلق به جهانیان معرفی کرد.

بنابراین عیسی مسیح بعنوان نجات دهنده جهان برتر از همه انسانها و مذاهب دیگر میباشد.

این تنها ادعای مسیح نبود بلکه شاگردانش نیز ادعای او را تأیید کردند. لوقا میگوید:

اعمال رسولان ۱۲:۴ در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر در زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.

یوحنا ۶:۶۸-۶۹ شمعون پطرس به او جواب داد: «خداوندا نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است. و ما ایمان آورده و شناخته‌ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی.»

پس نتیجه میگیریم که برای رسیدن به خدا فقط یک راه وجود دارد و آن هم از طریق ایمان به عیسی مسیح است.

وظیفه ما نسبت به حقیقت

در روزهایی زندگی میکنیم که میبینیم چگونه شیطان سعی دارد تا حقایق کلام خدا را به دروغهای زهرآگین و کشنده اش آلوده کند. بدینوسیله مردم به خیال اینکه حقیقت را شناخته اند و بتوسط آن آزاد شده اند به زندگی گناه آلود و دور از حقیقت ادامه میدهند و اصلاً دروغ را از حقایق کلام خدا تشخیص نمیدهند و اصلاً نیازی به تغییر و تبدیل نمیبینند. در واقع تصور میکنند نجات دارند اما نه تنها از آن بی بهره اند بلکه بسیار از آن دورند و در بسیاری از مواقع بر ضد حقیقت میجنگند و سعی بر سرکوب آن دارند.

در جلسات گذشته به هشدارهای کلام خدا در این رابطه اشاره کردیم. اما بد نیست که یکبار بار دیگر به گفته آقای دکتر والتر مارتین نویسنده کتاب "ملکوت مذاهب و فرقه های کاذب" (The Kingdom of the Cults) اشاره کنیم. او در این رابطه فرمود که:

من انتخاب کرده ام که بر مبنای مسیحیت کتابمقدسی که توسط رسولان تعلیم داده شد، پدران کلیسا از آن دفاع کردند، اصلاح طلبان آنرا احیا کردند و اکنون بعنوان الهیات اطلاق شده شکل گرفته و در دسترس ما میباشد، بایستم و از آن دفاع کنم.

اصول و مبانی این حقیقت کدامند؟

دکتر مارتین در اینجا اشاره به اصول و مبانی مسیحیت میکند. شاید سوال کنید که این اصول شامل چه مباحثی هستند؟ ایمان یک مسیحی باید بر مبنای چه اصولی باشد؟ منظور از تعلیم رسولان چیست؟ الهیات اصلاح شده ای که اصلاح طلبان احیا کردند کدام است؟

مسیحیت کتابمقدسی / اصول مسیحیت

پاسخ به سوالات فوق مباحث وسیعی را در بر میگیرد و نیاز به سالها مطالعه دارد. اما آنچه هر مسیحی باید بداند تا از گزند انحرافات و مضمومیت‌های تعالیم غلط در امان باشد را میتوان به عناوین زیر خلاصه نمود.

۱) شناخت خدا: آشنایی با تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) و درک صحیح و کتابمقدسی از ذات، صفات، اراده و اعمال خداست (یعنی هر سه اقنوم تثلیث).

۲) کتابمقدس: شناخت صحیح از کلام الهامی و عاری از خطای خدا بعنوان تنها مرجع ایمان مسیحی

۳) نجات شناسی: شناخت صحیح از طرح رهایی بخش خدا برای انسان گناهکار و مراحل آن

۴) **کلیسا:** شناخت صحیح و کتابمقدسی از کلیسا بعنوان بدن مسیح، وظائف و ماموریت آن در دنیا

۵) **آخرت شناسی:** که شامل بازگشت ثانوی مسیح، داوری، ملکوت خدا و وقایع آخر زمان است.

۶) **انسان شناسی:** میگویند که انسان از خود شناسی به خدا شناسی میرسد. این گفته میتواند از جهاتی صحت داشته باشد چون کلام خدا بهترین مرجع برای انسان شناسی است.

۷) **شناخت فرشتگان و کارهای آنها:**

۸) **شناخت شیطان، دیوها و کارهای آنها:**

۹) **شناخت ملکوت خدا:**

۱۰) **شناخت جهنم:**

حال با بیان این مطالب به یک نکته حساس که مشکل بسیار حساس و بزرگ‌ست بر میخوریم که من نام آن را مشکل "واژه های یکسان" گذاشته ام.

۲) مشکل واژه های یکسان اما مفاهیم متفاوت

یکی از مشکلاتیکه در رابطه با شناخت بدعتها یا فرقه های کاذب پیش می آید تشابه واژه ها با معانی کاملاً متفاوت میباشد.

مشکل واژه ها (ارتباطات)

دنیای پیشرفته امروزی با خود واژه های جدید به همراه آورده است. انقلابی در اصطلاحات تازه فنی، علمی، روانشناسی، پزشکی، کامپیوتری ایجاد شده که مسیحیت نیز از آن مستثنی نیست.

پیشرفت علوم کامپیوتر و اینترنت امکانات وسیعی را در رابطه با آموزش مذاهب بما بخشیده است.

با کمک یک ایمیل ساده میتوان انجیل و حتی کتابمقدس را به هر کجا از دنیا منتقل کرد.

هر مذهب دارای سایت اینترنتی و تخصصی خود میباشد و در تبلیغ آن میکوشد.

تا حالا شده که با کسی بحث اعتقادی کنید و در ابتدا احساس کنید که نکات مشترک بسیار زیادی با هم دارید ولی در خاتمه متوجه بشید که اصلاً منظور همدیگر را درک نمیکنید و گویا گفتگوی شما تا آن لحظه هر کدام به زبان دیگری بیان شده است.

باید توجه داشت که واژه ها هر چند هم بظاهر یکسان باشند اما ممکن است در ایمان کتابمقدسی مفهومی کاملاً متفاوت از مفهوم آن در مذاهب یا عقاید دیگر باشد.

بنابراین در گفتگو بین یک مسیحی با غیر مسیحی باید اصول اعتقادی طرف مقابل را در نظر گرفت و با دقت از واژه ها استفاده نمود.

واژه هایی مثل: باید توجه داشت که ما در گفتگوهایمان نه تنها از واژه یا کلماتی چون خدا، عیسی مسیح، انسان، شیطان و فرشتگان، کتابمقدس و نجات استفاده میکنیم بلکه گاهی از اصطلاحاتی چون ارتباط خدا با انسان (آیا خدا با ما در تماس است؟)، تعریف گناه، تعریف نجات که آیا به مفهوم رفتن به بهشت است یا رهایی از تسلط گناه و غضب

خداست؟، نجات دهنده کیست؟ (عیسی خداوند است یا یک پیامبر، فیلسوف یا روانشناس)، عیسی مسیح کیست؟ (پیامبر، فرشته یا یا پسر خداست)، روح القدس کیست (فرشته، نیرو یا انرژی و یا خداست)، کتابقدس چیست؟ (آیا تماماً الهامی و عاری از خطاست یا بخشی از آن الهامیست، شاید هم به اعتقاد برخی یک کتاب راهنما برای بهتر زندگی کردن است)، مفهوم تحریف و تناقض در کلام چیست؟ الهام چیست؟ گناهکار و معصوم بودن چیست؟ بهشت کجاست؟ آیا جهنم وجود دارد؟ در بهشت چه میگذرد؟ شیطان کیست؟ فرشتگان و ارواح پلید کیستند و چه کار میکنند؟ و بسیاری از اینگونه واژه هایی که بسیار بحث بر انگیزند.

بیانید به چند نمونه آن نگاهی بیاندازیم.

بعنوان مثال به جدول زیر توجه کنید:

نام فرقه	آموزه خداشناسی
مسیحیت	ما مسیحیان یک خدای واحد را در سه شخصیت متمایز خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس تحت عنوان تثلیث اقدس اعلام میکنیم.
مورمونها	مورمونها به تثلیث معتقد نیستند. به عقیده آنها خدا مثل هر انسان دیگری دارای جسم است. او برترین موجود عالم است و این مقام را با انجام اعمال صالحه به مرور زمان کسب کرده و به خدایی رسیده.
شاهدان یهوه	به تثلیث معتقد نیستند. آنها یک خدای واحد را به نامهای پدر، پسر و روح القدس میشناسند. در واقع میگویند او همان یهوه عهدعتیق است.
کریستین ساینس	کریستین ساینس میگویند خدا یک اصل جهانیست. خدا نمیتواند در کسی حلول کند. خدا ذهن و هوش ماست. در واقع خدا تنها موجود هوشمند است. خدا هم پدر و هم مادر ماست. تثلیث به مفهوم زندگی، حقیقت و محبت میباشد.
نام فرقه	آموزه مسیح شناسی
مسیحیت	عیسی مسیح ۲۰۰۰ سال پیش تا تجسم خود وارد دنیای ما شد تا کفاره گناهان ما شد. او از مریم باکره متولد شد.
مورمونها	عیسی مسیح برادر روحانی شیطان و پسر خداست. خدا نقشه نجات جهان را در مقابل آنها میگذارد و شیطان در مقابل آن پیشنهادش را به خدا ارائه میدهد. عیسی مسیح پیشنهاد خدای پدر را میپذیرد و بعنوان نجات دهنده جهان برگزیده میشود. خدای پدر برای اینکار به عیسی مسیح جسم میدهد تا از طریق مریم باکره بدنیا بیاید. عیسی مسیح بتوسط رومیان به صلیب کشیده میشود. او میمیرد اما سه روز بعد از مردگان قیام میکند و بدینصورت الوهیتش را دوباره کسب میکند. هر انسانی میتواند با اختیار آزاد مثل عیسی

	مسیح بر روی زمین زندگی کند.
شاهدان یهوه	شاهدان یهوه نمیتوانند درک کنند که عیسی مسیح همزمان هم پسر خداست و هم خود خداست به همین دلیل آنها بر این باورند که عیسی مسیح همان پدر است. آنها عیسی مسیح را اولین مخلوق خدا میدانند که سپس خدا همه چیز را بتوسط او آفرید. آنها میگویند که عیسی همان میکائیل رئیس فرشتگان است.
کریستین ساینس	عیسی همان مفهوم فرزند میباشد. عیسی مسیح نبود. عیسی خداوند نیست و پری خدا در او هرگز ساکن نبوده. عیسی هرگز نمرد.
نام فرقه	آموزه انسان شناسی
مسیحیت	خدا انسان را از گل زمین بسرشت و در او حیات دمید پس زنده شد. خدا انسان را در باغ عدن قرار داد و او را بر تمامی خلقت خود حاکم ساخت. خدا به انسان گفت که اجازه دارد از تمام میوه های درختان باغ بخورد بجز میوه درخت نیک و بد. انسان با سرپیچی از این فرمان از باغ عدن اخراج شد.
مورمونها	مورمونها بر این باورند که انسان قبل از آفرینش بصورت روح وجود داشته اند. اما در هنگام تولد به آنها اجسامی داده میشود که بدینوسیله وارد زمین میشوند. انسان بدینوسیله با اراده آزاد یک دوره آزمایشی را میگذراند. وضعیت زندگی پس از مرگ او بستگی به نحوه زندگی و اطاعت او از استانداردهای کلیسای مورمونها دارد. انسان میتواند با انتخاب یک زندگی درست بر زمین در عالم پس از مرگ به خدایی برسد. در عالم ارواح پس از مرگ او میتواند زاد و ولد کند و صاحب فرزندان روحانی شود.
نام فرقه	آموزه شیطان و فرشتگان
مسیحیت	از کلام خدا میفهمیم که شیطان بزرگترین فرشته خدا بود که بر اثر غرور از آسمان سقوط کرد و یک سوم از لشکر آسمان را نیز بسوی خود کشاند. (حزقیال ۲۸)
مورمونها	مورمونها معتقدند که شیطان برادر تنی عیسی مسیح بود.
نام فرقه	آموزه بهشت و جهنم
مسیحیت	کلام خدا میگوید که انسان پس از مرگ هم بطور جسمانی و هم روحانی یا راهی ملکوت خدا میشود و یا برای همیشه در آتش جهنم میسوزد.
مورمونها	مورمونها به جهنم معتقد نیستند. آنها به سه آسمان عقیده دارند که هر کس بسته به اعمالش وارد یکی از طبقات آن میشود. آنها میگویند که جریمه انسان پس از مرگ راه نیافتن به آسمان سوم یعنی مکانی که خدا در آن ساکن میسازند میباشد. برای راه یافتن

	به آسمان سوم باید حتماً یک مورمون خوب با اعمال مناسب بود.
شاهدان یهوه	شاهدان یهوه وجود جهنم را بکلی رد میکنند و معتقدند که شیطان خالق جهنم است او بدینوسیله قصد دارد که مردم را از خدا دور کند. آنها میگویند جهنم همان قبر آدمیست. انسان در قبر هوشیار نیست. آنقدر آنجا میماند تا روز قیامت برسد. بدکاران کلاً پس از مرگ نابود میشوند و دیگر قیام نخواهند کرد. (حزقیال ۴:۱۸) آنها بر این باورند که انسان پس از مرگ کاملاً از بین میرود اما در روز قیامت ۱۴۴۰۰۰ ایمانداران دوباره با بدنهای جدید خلق میشوند و بر روی زمین با مسیح تا ابد زندگی میکنند. (جامعه ۵:۹)
کریستین ساینس	کریستین ساینس کلاً به بهشت و جهنم اعتقاد ندارد و آنها را تخیلی میدانند.
نام فرقه	آموزه نجات
مسیحیت	از آنجائیکه ما قادر به انجام عدالت خدا نیستیم خدا از طریق ایمان به کاری که مسیح بر روی صلیب انجام داد این امکان را بوجود میآورد که عدالت خدا را تامین کنیم و با یک رابطه جدید ایجاد کنیم. نجات توسط اعمال انجام نمیشود بلکه از طریق فیض خدا بدست میآید. تعمید آب و اعمال نیک انسان نتیجه نجات است نه شرایطی برای ورود به ملکوت خدا.
مورمونها	نجات توسط ایمان، اعمال نیک، تعمید آب و مراسم دستگذاری صورت میگیرد. آسمان سوم خود دارای سه طبقه است. مورمونهای ارشدی که احکام را کامل انجام داده و در کلیسای مورمون ازدواج کرده اند وارد بالاترین طبقه میشوند. در آنجا نیز به هر کس یک سیاره داده میشود. مورمونها همچنین میتوانند بجای بستگان از دست رفته شان تعمید بگیرند و روح آنها را نجات دهند.
شاهدان یهوه	راه یافتن به ملکوت خدا و بدست آوردن حیات جاودان فقط به پیروان و اعضای سازمان شاهدان یهوه اعطا میگردد. آنها نجات را توسط ایمان و اعمال نیک دریافت میکنند.
کریستین ساینس	گناه، شیطان و نیکی وجود خارجی ندارند. آنها فقط زائیده تخیلات آدمیست.
نام فرقه	کتاب مقدس شناسی
مسیحیت	کتابمقدس تماماً الهام خداست و عاری از هر گونه تناقض و خطاست. مرجع کامل ایمان مسیحی میباشد.

مورمونها	آیات کتابمقدس در گذر تاریخ دستخورده شده به همین دلیل نمیتوان کاملاً به آن اطمینان کرد. اما بخشهایی از آن اگر درست ترجمه و تفسیر شوند را میتوان بعنوان کلام خداست. کتاب مورمون نیز کلام خدا میباشد.
شاهدان یهوه	کتابمقدس یک کتاب سازمانیست و متعلق به یک شخص نمیباشد به همین دلیل بدون سازمان شاهدان یهوه قابل درک و تفسیر صحیح نیست. شاهدان یهوه معتقدند که میتوان به کتابمقدس از لحاظ تاریخی و علمی اطمینان کرد و بخشهای از آن کاملاً تحت الفظی معنی کرد. البته بخش بسیار اعظم آن بطور سمبلیک نوشته شده. آنها خود یک ترجمه دیگر از کتابمقدس دارند که نامش <i>New World Translation</i> یا "ترجمه دنیای جدید" میباشد.
کریستین ساینس	خانم بری بیکر ادی کسی است که مکاشفات خدا را دریافت کرده. کتاب <i>Science and Health</i> یا "علم و تندرستی بر مبنای کتابمقدس" اثر ایشان است. این کتاب که مکمل کتابمقدس میباشد تحت عنوان پاسدار این فرقه نامیده شده اند.

بنابراین برای ایجاد ارتباط صحیح با پیروان این فرقه ها یا مذاهب بهتر است که تعریف آنان از این واژه ها بدانیم.

بهترین کار ایست که با اصول و عقاید تک تک این مذاهب و فرقه ها آشنا شویم.

در واقع یکی از اهداف ما از تهیه این سری دروس ها همین است که بتوانیم آشنایی مختصری از این فرقه ها به شما عزیزان ارائه دهیم.

بنا بر این تفاسیل مسیحیان راستین در مقابله و رویارویی با پیروان مذاهب و فرقه های کاذب باید اصول زیر را در نظر بگیرند.

(۱) ایماندار باید شخص مقابل را از اختلاف معانی و مفاهیم کلمات و واژه های مشابه کاملاً آگاه سازد و از او بخواهد که تعریف واژه هایی که استفاده میکند و مغایر با کتابمقدس هستند را با استناد (اگر استنادی موجود باشد) بطور دقیق و روشن بیان کند.

(۲) آنگاه شخص ایماندار باید واژه ها را با آیاتی که شخص دیگر از کلام خدا بعنوان دلیل، با تفسیر، مطرح کرده، در متن اصلی اش مقایسه نماید.

(۳) او باید مفاهیم واژه های "علم تفسیر"، "مسیحیت راستین تاریخی / کلیسای تاریخی ارتدوکسی"، "کفار"، "متن یا مضمون"، "داوری نهایی"، و اصطلاحاتی از این قبیل را جهت پیشگیری از سوء تفاهم یا سوء تعبیرهای احتمالی را بطور روشن تعریف کند.

(۴) ایماندار باید تلاش کند تا شخص دیگر اهمیت تعریف صحیح واژه ها را بر مبنای کلام خدا و موثر بودن آنها در تعالیم اساسی ایمان مسیحی، بخصوص در رابطه با تعلیم نجات از گناه، را درک نماید.

(۵) خیلی مهم است که شخص ایماندار از تجربیاتش در مسیح در رابطه با تولد تازه خود تعریف کند. بخصوص اینکه اهمیت لزوم تولد تازه در رابطه با نجات از گناه و رهایی از داوری خدا را دقیقاً شرح داده شود.

تذکر: ایمانداران در حین گفتگو با چنین اشخاص فریب خورده باید توجه داشته باشند که حواس خود را به نوع برخورد خود با آنان در نظر داشته باشند. گفتگو باید کاملاً با لحن موادبانه و محبت آمیز صورت گیرد. شخص فریب خورده باید درک کند که شخص ایماندار بیشتر از اینکه بخواهد در بحث پیروز شود نگران حیات ابدی او در حضور خدا میباشد.

توجه داشته باشید که بخصوص رهبران یا خادمین فرقه های کاذب در امر استفاده از آیات خارج از متن اصلی و تفسیر به رای کردن آنها، بسیار افراد وارد و متبهری هستند و تا آنجاییکه بشود از تعریف واژه هایشان امتناع میکنند، مگر اینکه ما وادارشان کنیم.

چند توصیه دیگر به مسیحیان

قبل از اینکه وارد بحث با پیروان یا رهبران فرقه های کاذب شوند موارد زیر را در نظر بگیرند

1. اکثر پیروان این فرقه ها با واژه هایی که بکار میبرند کاملاً آشنایی دارند و حتی مفهوم آنها را در مسیحیت راستین نیز میشناسند.
2. پیروان تعلیم یافته فرقه های کاذب با احتیاط از تعریف واژه هایی که مستقیماً به تعلیم اساسی کلام خدا از جمله تثلیث، الوهیت مسیح، کفار گناه، قیام مسیح از مردگان، مراحل نجات توسط فیض و عدالت توسط ایمان و غیره، خودداری میکنند.
3. ایمانداران باید در این شرایط دنبال موارد اختلاف مثلاً اعتبار کتاب مقدس باشد. کلام خدا ابزار قدرتمندی در دست ایماندارانیست که بتوانند بدرستی از آن استفاده کنند.
4. ایمانداران باید خود را با واژه های کلیدی که مبنایی اصول اعتقادی این فرقه ها میباشد آشنا سازند.

ساختار روانی / رفتاری فرقه های کاذب

شناخت بدعتها و فرقه های کاذب بدون بررسی عوامل روانی که در رشد و تشکل آنها دست داشته، بسیار مشکل خواهد بود.

باید در نظر داشت که فرقه های کاذب دارای تشکیلات منسجم، اصول اعتقادی مشخص و یک ساختار رفتاری و روانی بخصوصی هستند.

از آنجائیکه با توجه به تعداد بیشمار این فرقه ها قادر به بررسی تک تک آنها نیستیم، آنها را به سه دسته تقسیم کرده و از هر دسته، یکی را بعنوان نمونه انتخاب میکنیم و به تحلیل و بررسی آن میپردازیم. با این روش قادر خواهیم بود از عهده شناسایی و دفاع در مقابل سایر زیر مجموعه فرقه های مشابه به آنها بر بیائیم.

سه فرقه نمونه ای که در نظر گرفتیم از قبیل شاهدان یهوه، مومونها و کریستین ساینس میباشد.

(۱) شاهدان یهوه نماینده تشکیلات (فرقه های) کاذبی هستند که تاکید زیادی بر نبوت و رویدادهای آخر زمان دارند،

۲) مورمونها نماینده فرقه های کاذبی هستند که تاکیدشان بر اقتدار کهانت، مراسم مخفی و مرموز و استفاده از سمبلهاست و

۳) کریستین ساینس که برخی عنوان ناستیک (The Gnostic Cults) را به آنها داده اند، نماینده فرقه هایی که متمرکز عقیده وحدت وجود (همه خدایی)، نیروی مافوق طبیعه (Metaphysical Panthesim) و شفای جسمانی میباشد هستند.

لازم به ذکر است که فرقه های کاذب اغلب در اصول اعتقادی خود نکات مشترکی دارند که اغلب بی اساس و بی ارزشند.

روانشناسان معتقدند که دامنه سیستم اعتقادی این فرقه های کاذب دارای سه محدوده است.

محدوده اول یا مرکزی: اصل نگرش آنها بر دنیای خارج است. نگرشی که باعث میشود چنین سوالاتی را بپرسند که "آیا دنیا جای تهدید/میزبست یا قابل پذیرش است؟"

محدوده دوم یا میانی: شامل محدوده اقتدار و توانایی آنهاست. در واقع مشخص میکند که تحت نفوذ و تسلط چه شخصی حاضر به انجام مسائل حیاتی زندگیشان میباشد.

محدوده سوم، منطقه خارجی یا جنبی میباشد: که شامل جزئیات ساختار زندگی شخصی افراد است.

نتیجه گیری:

عدم آگاهی از کتابمقدس انسان را به گمراهی و انحراف میکشاند به همین دلیل است که پولس و سایر رسولان در رسالات خود با هشدارها و توصیه هایشان ایمانداران را به اتحاد و یگانگی دعوت میکنند. بعنوان مثال پولس رسول در باب ۴ رساله افسسیان ایمانداران را به یگانگی و اتحاد دعوت میکند. او اشاره میکند که به یک جسد، یک روح، یک ایمان، یک خداوند، یک تعمید و غیره متحد شوید و دلیل این اتحاد را اینگونه بیان میکند.

افسیسان ۱۴:۴ - ۱۶ در آنصورت، دیگر مانند اطفال نخواهیم بود که در اثر سخنان دیگران و دروغهایی که برای گمراهی ما می گویند، هر لحظه نسبت به ایمانمان تغییر عقیده بدهیم، بلکه با عشق و علاقه، همواره در پی راستی خواهیم رفت. راست خواهیم گفت، راست عمل خواهیم کرد و راست خواهیم زیست تا به این ترتیب، بتدریج در هر امری مانند مسیح شویم که سر کلیسا می باشد.

خدا این کلام را که تماماً الهام اوست در اختیار ما گذاشته که از آن به مکاشفه الهی اوست برسیم. شناخت مسیح و دانستن کلام او ما را از هر انحرافی حفظ خواهد کرد.

در عبرانیان ۸:۱۳-۹ میخوانیم:

عیسی مسیح امروز نیز همان است که دیروز بود و هرگز تغییر نخواهد کرد. پس فریفته عقاید جدید و عجیب و غریب نشوید.